



گزارش کتاب «التبرک بالصالحین بین المجیزین و المانعین»

علی اکبر لطفی*

مختصری از زندگانی مؤلف

از جمله شخصیت‌هایی که با وهابیت، مخالفت صریح دارد، شیخ عبدالفتاح یافعی است. یافعی در سال ۱۳۹۴ق در شهر یافع یمن متولد شد. وی بعد از گذراندن دروس ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد، البته مدرک فوق لیسانس خود را در دانشگاه وادی النیل سودان در رشته اصول دین، اخذ کرد. وی سفرهای علمی تبلیغی را به برخی از کشورها از جمله: عربستان، هند، سوریه، پاکستان، اردن، مصر، آمریکا، اندونزی و... داشته است. یافعی دارای مسلک صوفیانه است که با نگارش کتاب و همچنین فضاهای مجازی به مقابله با وهابیت پرداخته است.^۱

او خطیب و امام جماعت مسجد الخیرات صنعا و رئیس مؤسسه الخیرات وابسته به مسجد مذکور می‌باشد. علاوه بر این وی مناصب دیگری نیز برعهده دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. عضو شورای افتاء وزارت اوقاف قطر؛
۲. عضو شورای بعثه حج قطر؛
۳. مدیر مؤسسه الفرقان؛
۴. مدرس مقطع دوم دانشگاهی در دانشگاه ایمان؛

* پژوهشگر مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم‌السلام)

lotfi43271@gmail.com

۱. یافعی، عبدالفتاح قدیش، مواهب الکریم الفتاح (مجموعه رسائل و ابحاث)، ص ۶۱۹.

۵. مدیر و امین عام مرکز الاحسان یافع؛
۶. کارشناس مذهبی در برنامه‌ها و کنفرانس‌های یمن؛

و....

جایگاه علمی کتاب التبرک

کتاب التبرک بالصالحین بین المجیزین و المانعین در یک جلد و ۱۴۶ صفحه در سال ۱۴۳۱ق در انتشارات «مؤسسة الرسالة الناشرین» بیروت چاپ و عرضه شده است. این کتاب در نقد وهابیت نسبت به تبرک به اولیای الهی و آثار ایشان نگاشته شده است. مؤلف توانسته به خوبی ضمن بیان دیدگاه وهابیت با تکیه بر منابع مذاهب اربعه اهل سنت، تقابل مذاهب اربعه و وهابیت را بیان کند و به همگان بفهماند که وهابیت غیر از مذاهب رسمی اهل سنت می‌باشند و این را می‌توان از دیدگاه ایشان در بحث تبرک استخراج کرد. با توجه به اهمیت مسئله مورد بحث در کتاب مذکور و همچنین متقن بودن مباحث طرح شده از سوی مؤلف، برخی از اندیشمندان، ضمن تأیید کتاب مذکور، نشر آن را بلامانع دانسته‌اند. مهم‌ترین شخصیت‌هایی که این کتاب را تأیید کرده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. مصطفی سعید الخن / محمد حسن بن المصطفی البغا.

مصطفی بن سعید الخن رئیس قسم عقائد و ادیان دانشگاه دمشق و دکتر محمد حسن بن المصطفی البغا استاد و رئیس دانشکده الشریعة دانشگاه دمشق طی بیانیه‌ای مشترک درخصوص این کتاب آورده‌اند:

مؤلف در کتاب خود به موضوعی اساسی پرداخته است که برخی آن را از اصول اسلام پنداشته‌اند در حالیکه این موضوع از فروعات است و این راهی است که خداوند در پیش روی او قرار داده است تا به این مسئله بپردازد و مردم از باب تعظیم اولیائی که خود را در راه خدا فانی کرده‌اند به آثار به‌جامانده از ایشان تبرک می‌جویند و کسانی که تبرک می‌جویند به خدا و وحدانیت وی ایمان دارند.^۱

۱. یافعی، عبدالفتاح قدیش، التبرک بالصالحین بین المجیزین و المانعین، ص ۸.

۲. مصطفی دیب البغا، استاد دانشگاه دمشق

وی ضمن معذرت‌خواهی از مؤلف درباره اینکه نتوانسته است تمام کتاب را مطالعه نماید با این وجود به مؤلف اجازه نشر این کتاب را داده است و از وی به خاطر نگارش این کتاب تقدیر نموده است.^۱

۳. حسن محمد مقبولی اهدل رئیس قسم اصول فقه دانشگاه صنعا

وی نیز ضمن مطالعه کتاب و بیان برداشت‌هایی از این کتاب در بیانیه خود از ذوق و اجتهاد مؤلف تقدیر کرده و ثمره این کتاب را اطلاع از دیدگاه بزرگان مذاهب درباره این مسئله اختلافی دانسته است.^۲

کتاب التبرک بالصالحین در یک پیشگفتار، مقدمه، هشت فصل و یک تتمه به این شرح تألیف شده است:

پیشگفتار

مؤلف در این بخش از کتاب خود به بیان جایگاه حق و بیان حقیقت اشاره کرده و در این باب به آیات، روایات و کلام بزرگان مذاهب اشاره کرده است. مؤلف در تبیین عظمت تمسک به حق تکیه بر آیاتی از قرآن نموده و دو آیه را در این باب ذکر نموده است.

(ص ۱۳)

الف. آیه ۲۱۳ بقره؛

ب. آیه ۳۶-۳۵ یونس.

وی دو روایت از صحیح مسلم و سنن ترمذی را نیز در بیان جایگاه حق می‌آورد:

الف. خدایا مرا هدایت کن در آنچه از حق است و مورد اختلاف می‌باشد، همانا تو هر

کسی را که بخواهی به راه مستقیم هدایت می‌کنی؛

ب. به مردم نیکی کنید اگر به شما نیکی کردند و اگر بدی کردند، شما ظلم نکنید.

یافعی در بیان جایگاه و عظمت بیان حق به کلام بزرگانی همچون شافعی و غزالی

۱. همان، ص ۹.

۲. همان، ص ۹.

اشاره کرده است.

مؤلف بحثی را نیز در ادامه درباره عظمت رجوع به حق در مقابل تمسک به باطل مطرح کرده است و در این بخش، کلام بزرگان اهل سنت را با تکیه بر منابع روایی و تاریخی آورده است. (ص ۲۰-۱۵)

مؤلف در ادامه بحث، یک مقدمه را ذکر می کند که در آن دو موضوع را بررسی می کند:

مقدمه

در این بخش از کتاب، مؤلف دو مبحث را اشاره می کند. (ص ۲۳)

۱. مبحث اول معنی تبرک

وی در تبیین معنای لغوی تبرک با تکیه بر منابع لغوی و کلام لغت شناسانی همچون: ابن منظور، فراء، الازهری، آورده است و در نهایت خلاصه تمام اقوال لغویین را این گونه بیان می دارد: برکت به معنای رشد و زیاده است و معنای لغوی تبریک نیز برگرفته از همین اصل، یعنی دعا برای انسان یا غیر انسان است بر برکت رسیدن به او و تبرک به معنای تَیْمُن به شیئی است. (ص ۲۵)

۲. تبرک به آثار پیامبر ﷺ بعد از وفات ایشان

یافعی در این بخش تصریح دارد: تبرک به پیامبر ﷺ و آثار وی از امور متفق علیه است. از این رو محل نزاع ما نیست؛ اما از این جهت که امروزه می بینیم برخی از افراد بین تبرک به آثار پیامبر ﷺ در زمان حیات و ممات ایشان فرق گذاشته اند این مبحث را طرح کرده ایم. مؤلف این نظریه ایشان را مخالف دیدگاه سلف و صحابه دانسته. از این رو مواردی را برای نمونه از سلف به این شرح بیان می دارد:

الف. تبرک به قبر شریف

مؤلف با تکیه بر منابع روایی و تاریخی مواردی را که سلف بر قبر پیامبر ﷺ تبرک جسته اند بیان می دارد از جمله: (ص ۳۰-۲۵)

- تبرک ابو ایوب انصاری به قبر پیامبر ﷺ؛

- حضرت زهرا علیها السلام مقداری از خاک قبر را برداشت و بر چشمانش مالید؛

- بلال صورتش را بر قبر پیامبر ﷺ مالید؛

- تبرک جستن ابن المنکدر از قبر شریف؛

- جایز بودن تبرک به قبر پیامبر ﷺ نزد احمد بن حنبل؛

ب. تبرک به آثار پیامبر ﷺ

یافعی در این مبحث مواردی را می آورد که سلف به غیر قبر پیامبر ﷺ تبرک جسته اند برای نمونه:

- تبرک جویی موسی بن عبقة به اماکنی که پیامبر ﷺ نماز خوانده بود؛

- تبرک جویی عبدالله بن عمر به ده مکانی که پیامبر ﷺ در آن نماز خوانده اند؛

- تبرک به ظرف آب پیامبر ﷺ؛

- تبرک جویی عمر بن عبدالعزیز، ابونعیم اصفهانی و بخاری به ظرفی که مخصوص

پیامبر ﷺ بوده؛

- تبرک جویی ابن سیرین به موی پیامبر ﷺ؛

- تبرک جویی مردم به نعلین منسوب به پیامبر ﷺ؛

- تبرک جویی صحابه به پیراهن پیامبر ﷺ. (ص ۴۰-۳۰)

مؤلف در ادامه مسئله منع تبرک از سوی خلیفه دوم به واسطه قطع درختی که بیعت

رضوان در آن محقق شد، مطرح می کند و به آن چهار جواب می دهد. (ص ۵۰-۴۱)

الف. یکی از راویان روایت، نافع است که ذهبی و البانی روایات وی را منقطع می دانند؛

ب. در برخی منابع آمده است که این درخت به واسطه سیل یا غیر آن از بین رفته

است؛

ج. صحابه در باره مکان دقیق درخت اختلاف کردند؛

د. صحابه مکان دقیق را فراموش کردند؛

ه. بر فرض صحت روایت باز توجیه دارد و آن اینکه خلیفه دوم، این کار را به سبب

جلوگیری از اعتقاد به وجوب تبرک جویی بر این درخت از سوی صحابه آن را قطع نمود؛
 س. پیامبر ﷺ فرمودند: اماکنی را که در آن نماز خوانده‌اند، مسجد قرار دهید.
 مؤلف برای این مورد مستندات تاریخی و روایی بیان می‌کند؛

۳. تبرک به بعضی از اماکن و اشیا.

مؤلف می‌گوید: این مسئله نیز مورد اختلاف ما نیست. با این وجود چون برخی از معاصرین این امر را نیز جایز ندانسته‌اند، از این رو مستندات را ذکر می‌کنیم.
 وی در این مبحث نیز با تکیه بر منابع روایی و تاریخی مواردی را که بر سنت بودن تبرک به آنها اشاره شده است، می‌آورد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف. کعبه و حجر الاسود؛

ب. تبرک به آب زمزم؛

ج. تبرک به خاک مدینه؛

د. تبرک به مسجد قبا؛

ه.

فصل اول: ذکر اختلاف در مسئله تبرک صالحین (ص ۵۹-۵۵)

یافعی با یک تقسیم ثنائی بیان می‌کند در این مسئله، دو قول وجود دارد:
 ۱. قول کسانی که قائل به جواز هستند و این، قول جمهور علما و بزرگان مذاهب می‌باشد.

۲. قول کسانی که این امر را ممنوع می‌دانند و این، قول امثال ابن تیمیه، ابن قیم، شاطبی و... است و اولین کسی که این امر را ممنوع دانست ابن تیمیه است و کسی را قبل از وی نیافتیم که قائل به منع تبرک باشد.

مستندات قائلین به جواز تبرک

در این بخش، مؤلف مستندات روایی قائلین به جواز تبرک را بیان می‌دارد. مهم‌ترین این روایات عبارت‌اند از:

۱. حدیث ابن عمر

از ابن عمر روایتی را نقل می‌کند به این مضمون: «رسول الله ﷺ شخصی را فرستادند تا از محل تطهیر و شستشو (مکانی که مسلمانان از آب آن برای شستن دست‌هایشان استفاده می‌کردند) آب بیاورند، پس ایشان آن آب را خوردند به امید برکت دستان مسلمانان». این روایت را البانی صحیح دانسته است.

۲. تبرک‌جویی پیامبر ﷺ به آب چاهی که ناقه صالح از آن آب نوشیده است. پیامبر ﷺ به همراه صحابه از مکانی که متعلق به قوم ثمود بود عبور می‌کردند، پیامبر ﷺ خطاب به صحابه فرمودند: از چاهی که ناقه صالح از آن عبور کرده آب بنوشند.

مستندات قائلین به عدم جواز (ص ۵۶)

وی در این باب، دلیل مانعین از تبرک‌جویی را به صورت مختصر به این شرح بیان می‌دارد:

۱. این امر از خصائص پیامبر ﷺ است و غیر ایشان کسی جایز نیست تبرک بجوید؛
۲. از صحابه و سلف کسی این کار را انجام نداده‌اند؛
۳. این کار، خود ذریعه‌ای بر عبادت صالحین است.

فصل دوم: اقوال مانعین از تبرک به آثار صالحین (ص ۵۹)

مؤلف در ادامه، دیدگاه مانعین از تبرک از جمله: ابن تیمیه، ابن قیم، شاطبی و ابن رجب، علمای نجدی را بیان می‌دارد:

الف: ابن تیمیه

- ابن تیمیه تبرک را دو قسم بیان می‌کند که یکی حق و دیگری باطل است:
- و اما قسم حق از تبرک به سه قسم تقسیم می‌شود:
۱. به سبب برکت نبی یا ولی برای ما خیر و دفع بلا حاصل می‌شود؛
 ۲. به سبب دعای نبی برای ما خیر و دفع و بلا حاصل شود؛

۳. به سبب صلاح نبی یا ولی برای ما خیر و دفع بلا حاصل شود.

و اما قسم باطل از انواع تبرک

۱. اینکه معتقد باشیم که نبی یا ولی سبب خیر هستند و شخص تبرک کننده با اعتماد

بر این امر گناه کند.

۲. معتقد شویم که نبی یا ولی خدا سبب خیر و دفع بلا هستند و با اعتماد بر این امر

طاعت خدا را نکنیم.

۳. معتقد باشیم که نبی یا ولی، سبب خیر هستند و با اعتماد به این امر اعمالی که ذاتاً

امعصیت هستند مقابل ایشان انجام دهیم از قبیل سجده در برابر ایشان.

با این تفصیلی که بیان شد می توان دریافت که ابن تیمیه در واقع با جمهور در بحث

تبرک موافق است. (ص ۶۱)

ب: ابن قیم جوزیه

یکی از مانعین تبرک، ابن قیم جوزیه است وی در این باب تصریح دارد:

«در مقابل بتها اعمالی انجام می شد که مشابه آن در مقابل مشاهد شریفه انجام

می شود، فرقی ندارد نذر برای این مشاهد باشد یا تبرک جویی به آنها و مسح، بوسیدن

و.... همه این امور شرک است».

ج: شاطبی

مؤلف خلاصه رأی شاطبی را این گونه بیان می دارد: شاطبی تبرک را امری مشتبّه بین

جواز و عدم می داند و از نگاه وی تبرک یکی از اصول بدعت مکروهه است.

د. ابن رجب

وی سیره صحابه را دلیلی بر عدم جواز تبرک و بدعت بودن آن می آورد.

ه. علمای نجد

مؤلف برای نمونه به کتاب الدرر السنیة فی الاجوبة النجدية استناد دارد که مؤلفش در

این باب تصریح دارد: «همانا اگر کسی به سنگی، یا درختی تبرک بجوید یا قبر و قبه ای را

مسح کند و به آنها تبرک بجوید به تحقیق آنها را اله خود دانسته است».

فصل سوم: اقوال علما حنفی در تبرک به صالحین و آثار ایشان (ص ۶۷-۷۲)

یافعی با تتبع در منابع بزرگان احناف مصادیقی را برای جواز تبرک بیان می‌کند، مهم‌ترین این موارد عبارتند از:

۱. تبرک به زیارت قبور صالحین؛
۲. دعوت از مردم برای مشایعت جنازه‌ای که به آن تبرک می‌جستند؛
۳. تبرک به بوسیدن دست عالم؛
۴. تبرک‌جویی کودکان از مجالس حدیث؛
۵. تبرک به بدن میت صالح؛
۶. تبرک به واسطه دست کشیدن انسان صالح بر مریض.

فصل چهارم: اقوال علما مالکی در تبرک به صالحین و آثار ایشان (ص ۸۱-۷۲)

یافعی ضمن جایزدانستن تبرک در مذهب مالکی با تتبع در آثار ایشان مواردی که دال بر جواز تبرک است را بیان می‌دارد، از جمله این موارد عبارت‌اند از:

۱. تبرک به مقام و محل زندگی انبیای الهی؛
۲. تبرک به قبر اسماعیل و هاجر؛
۳. تبرک از صورت اولیا به واسطه نگاه کردن به ایشان؛
۴. تبرک به همجواری قبور اولیا به واسطه دفن در کنار ایشان؛
۵. تبرک به قبور اولیا؛
۶. تبرک به آثار صالحین؛
۷. تبرک به خاک قبر اولیا.

فصل پنجم: اقوال علما شافعی در تبرک به صالحین و آثار ایشان

وی در بیان جواز تبرک از دیدگاه بزرگان شافعی ابتدا سیره عملی برخی از ایشان را در تبرک‌جویی بیان می‌دارد از جمله:

۱. تبرک جویی شافعی به لباس احمد بن حنبل؛
 ۲. تبرک جویی شافعی به ابوحنیفه و قبرش؛
 ۳. تبرک جویی دار القطنی به ابوالفتح قواس؛
 ۴. تبرک مردم به ابوجعفر بیهقی؛
 ۵. تبرک مردم به ابواسحاق شیرازی.
- مؤلف در ادامه کلام بزرگان شافعی را در جواز تبرک به صالحین و آثار ایشان می آورد، ازجمله: (۸۲-۹۵)

۱. تبرک به حضور صالحان در خانه؛
۲. تبرک به آثار صالحین ازجمله طعام، شراب و لباس ایشان؛
۳. تبرک به اماکنی که صالحین در آنجا نماز خوانده اند؛
۴. ساخت بنا بر قبور اولیا و تبرک به قبور؛
۵. تبرک به واسطه بوسیدن دست اولیا؛
۶. تبرک به واسطه بوسیدن قبر اولیا؛
۷. تبرک به خاک قبور اولیا.

فصل ششم: اقوال علمای حنبلی در تبرک به صالحین و آثار ایشان

مؤلف در این فصل که اختصاص به دیدگاه حنابله درباره تبرک دارد، همچون فصول گذشته، اول سیره عملی بزرگان حنابله را در تبرک بیان و بعد به اقوال ایشان اشاره می کند.

الف. فعل و سیره علمای حنابله در تبرک جویی به آثار اولیا (ص ۹۵-۱۰۱)

۱. تبرک جویی احمد بن حنبل به پیراهن یحیی بن یحیی؛
۲. تبرک جویی صالح بن احمد بن حنبل به لباس پدرش؛
۳. تبرک جویی عبدالله بن احمد بن حنبل به قبر پیامبر ﷺ وی وصیت کرد از باب تبرک به قبر پیامبر ﷺ کنار قبر ایشان دفن شود؛

۴. تبرک جویی عبدالغنی مقدسی به قبر احمد بن حنبل؛

۵. تبرک جویی بزرگان و اولیا به قبر احمد بن حنبل؛

۶. تبرک جویی مردم به قلم احمد بن حنبل؛

۷. تبرک جویی مردم به عبدالغنی مقدسی حنبلی و ازدحام جمعیت به این سبب؛

۸. تبرک جویی مردم به جنازه و آب غسل ابن تیمیه حرانی.

اقوال بزرگان حنابله در تبرک جویی به آثار صالحین (۱۰۳-۱۰۱)

وی در این باب اقوال بزرگان و علمای حنبلی را در جواز تبرک به آثار اولیا و صالحین بیان می‌دارد از جمله:

۱. تبرک به واسطه دفن در جوار قبور اولیا و صالحان؛

ابن قدامه مقدسی در کتاب المغنی بیان می‌دارد: «مستحب است دفن اموات در قبرستانی که صالحین اولیاء در آن دفن هستند و این از باب تبرک است تا اینکه برکت این اولیاء شامل این میت نیز گردد».

۲. تبرک جویی به مانده غذای میهمان اگر از صالحین باشد؛

مرداوی حنبلی در کتاب الانصاف در این باب تصریح دارد: «مستحب است میهمان مقداری از غذای خود را برای تبرک باقی بگذارد مخصوصاً اگر از شخصیت‌هایی است که به وی تبرک جویی می‌شود».

فصل هفتم: اقوال کسانی که از مذاهب اربعه نیستند در جواز تبرک به

صالحین و آثار ایشان (ص ۱۰۵-۱۰۳)

وی در این فصل، سخن شوکانی که خود را منتسب به هیچ‌کدام از مذاهب اربعه نمی‌داند، بیان می‌کند، شوکانی در بحث جواز تبرک به آثار اولیا به این موارد پرداخته است:

۱. کسی که از اولیا شناخته می‌شود اگر از وی دعوت شد برای اینکه بر وی تبرک

بجویند مستحب است قبول کند؛

۲. حدیث تغسیل زینب؛

۳. تبرک به لباس اهل فضل؛

۴. بوسیدن میت صالح از باب تعظیم و تبرک؛

۵. تبرک به موی اهل فضل.

فصل هشتم: حوادث تاریخی از اهل علم در تبرک به صالحین و آثار ایشان (ص ۱۱۶-۱۰۵)

یافتی در فصل آخر از کتاب خود با تکیه بر منابع تاریخی مواردی را بیان میکند که بزرگان از سلف و تابعین و حتی آحاد جامعه به آثار صالحین تبرک می جستند از جمله:

۱. تبرک صحابه به محمد بن طلحة بن عبیدالله؛

۲. تبرک سفیان ثوری به عمر بن قیس؛

۳. تبرک مردم به قبر علی بن ابی طالب (ع)؛

۴. تبرک جوینی مردم به قبر ابو ابوب انصاری؛

۵. تبرک جوینی کمیت به لباس امام زین العابدین (ع).

بالغ بر بیست مورد دیگر را نیز مؤلف می آورد که به برخی از این موارد به صورت اختصار اشاره می شود:

۱. تبرک به قبر سعید بن جبیر؛

۲. تبرک به قبر ابی عوانة؛

۳. تبرک به قبر ابی الحسن زاهد؛

۴. تبرک به قبر یکی از اولاد علی بن ابی طالب (ع) در قبرستان باب بردان؛

۵. تبرک به قبر معروف کرخی؛

۶. تبرک به یحیی بن مجاهد؛

۷. تبرک به... .

متمم بحث: مواردی در جواز توسل به صالحین (۱۲۸-۱۱۷)

مؤلف، کتاب مستقلی درباره التوسل بالصالحین بین المجیزین و المانعین دارد؛ اما در این مبحث به تناسب، خلاصه‌ای از اقوال و روایات وارده در جواز توسل به اولیا را اشاره می‌کند، وی بالغ بر چهل روایت و نقل قول را بیان می‌کند و برای مطالعه بیشتر به کتاب التوسل بالصالحین بین المجیزین و المانعین ارجاع می‌دهد.

خاتمه (۱۳۰-۱۲۹)

نویسنده در خاتمه اشاره می‌کند که بحث بیش از این موارد بوده و بالغ بر سیصد صفحه می‌شده؛ اما برای اختصار به همین اندازه اکتفا شده است.

یافعی دلیل طرح و نگارش این کتاب را این‌گونه بیان می‌کند:

می‌خواستم با نگارش این کتاب بگویم که تبرک از فروعات مسائل است و به هیچ عنوان نمی‌تواند سببی برای تکفیر مسلمانان باشد و متأسفانه گروهی که خود را منتسب به اسلام و علم می‌دانند به سبب این‌گونه مسائل فرعی، دیگر مسلمانان را تکفیر کرده‌اند.

منابع

١. يافعى، عبدالفتاح قديش، التبرك بالصالحين بين المجيزين و المانعين، بيروت: مؤسسة الرسالة ناشرون، چاپ اول، ١٤٣١ق.
٢. يافعى، عبدالفتاح قديش، مواهب الكريم الفتاح (مجموعة رسائل و ابحاث)، بی جا: دار التور للدراسات و النشر، بی تا.